

مدلیابی نقش فرهنگ سیاسی در مشارکت و اعتماد سیاسی با میانجی گری سرمایه اجتماعی

علی آقای خان‌برق^{۱*}، رامین غریب‌زاده^۲، لیلی آزادی بریس^۳

تاریخ دریافت: ۱۰ شهریور ماه ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۱۱ آذرماه ۱۳۹۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مدل یابی روابط بین فرهنگ سیاسی در مشارکت و اعتماد سیاسی با میانجی گری سرمایه اجتماعی انجام شده است. روش تحقیق، توصیفی و همبستگی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری مورد نظر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی می باشد که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده است. ابزار اصلی گردآوری داده های پژوهش پرسشنامه بود. جهت بررسی ارتباط متغیرهای اصلی پژوهش با همدیگر از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد و روابط بین متغیرها باهم دیگر معنی دار بود. در ادامه جهت بررسی قابلیت تعمیم مدل ساختاری پژوهش، مدل معنی داری پژوهش (مدل t) نیز ارائه شده است. بر اساس نتایج بدست آمده، فرهنگ سیاسی بر سرمایه اجتماعی تاثیر مستقیم دارد، همچنین سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی تاثیر مستقیم دارد. همچنین سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی تاثیر مستقیم دارد. در نهایت فرهنگ سیاسی از طریق سرمایه اجتماعی بر اعتماد و مشارکت سیاسی تاثیر غیر مستقیم دارد. فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی، مشارکت و اعتماد سیاسی در بین دانشجویان از حد انتظار پایین می باشد لذا پیشنهاد می گردد که مسئولان دانشگاهی با اتخاذ تدابیری در جهت افزایش متغیرهای مذکور در دانشگاه بکوشند.

کلید واژه ها: فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی.

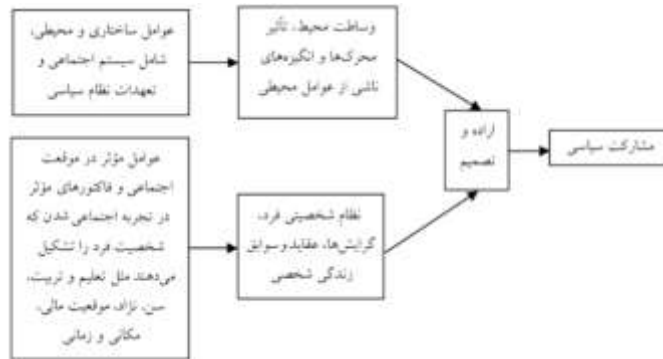
۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
۲- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
۳- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

مقدمه

مشارکت سیاسی در سیاست عملی و نظری از جایگاه برجسته ای برخوردار است. یکی از اهداف توسعه سیاسی گسترش مشارکت و رقابت گروه های اجتماعی در زندگی سیاسی است. شکی نیست که برای نیل به توسعه سیاسی باید میزان مشارکت سیاسی مردم افزایش یابد (Moore, 1990). در ایران مشارکت سیاسی چندان با اقبال همگانی روبرو نبوده است مگر در مقاطع زمانی خاص و در بعضی از برهه ها. این فضای محدود مشارکت دلایل متعدد فرهنگی، سیاسی و ساختاری دارد (Amini and Khosravi, 2010).

مشارکت سیاسی همچون دیگر مفاهیم سیاسی پس از جنگ جهانی دوم و متعاقب تغییر و تحول اساسی در جهان واقعی و مطالعه علمی سیاست با تعریف ها و برداشت های نوینی روبرو شد. دائرة المعارف بین المللی علوم اجتماعی، تعریف زیر را از این مفهوم ارائه می دهد: مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست گذاری عمومی است (Huntington, 1976). به عبارتی مشارکت یک فعالیت است نه نگرش اعمال داوطلبانه که معمولاً در مشارکت های بسیجی می توان یافت. «مایرون واینر» تعریف ذیل را از مشارکت سیاسی ارائه می دهد: «مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر، شامل روش های مشروع و نامشروع برای تاثیر بر انتخاب رهبران و سیاست ها و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است» (Mill Bath, 1981).

می توان ریشه های رفتار سیاسی افراد یک جامعه را در دو مقوله دسته بندی نمود: عوامل شخصیتی و عوامل محیطی. عوامل شخصیتی شامل پنج دسته هستند که عبارتند از: عوامل موروثی، نیازها و خواسته های شخصی، نیازها و سائقه های طبیعی و روانی، عقاید و گرایش ها یا رهیافت ها (Amini and Khosravi, 2010). این عوامل تاثیر مستقیم بر رفتار سیاسی دارند. اما عوامل محیطی، برعکس، به طور غیرمستقیم و از طریق شخصیت فرد اثر می گذارند. عوامل محیطی، به تدریج و با گذشت زمان، از طریق شکل دادن به شخصیت و نظام اعتقادی فعالان سیاسی ایفای نقش می کنند. در این تحلیل، هیچ کدام از عوامل محیطی یا شخصیتی استقلال ندارند؛ در عین حال که محیط به وساطت شخصیت در رفتار سیاسی فرد تاثیر می گذارد، عوامل شخصیتی نیز تعیین کنندگی قاطعی ندارند، بلکه در محدوده شرایط و امکانات محیطی شکل گرفته در چارچوب ساختار آداب و رسوم فرهنگ و اجتماع جهت می یابند. (Bashirieh, 1995). تاثیر فاکتورهای محیطی و شخصیتی بر مشارکت سیاسی افراد یک جامعه را مطابق الگوی زیر می توان توضیح داد (Nelson, 1987).



نمودار ۱: الگوی تاثیر فاکتور های محیطی و شخصیتی بر مشارکت سیاسی افراد

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از مؤلفه های توسعه سیاسی خود را در قالب بروز و ظهور حزب های سیاسی، برگزاری انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، همه پرسی قانون اساسی، رفراندوم تغییر رژیم، انتخابات خیرگان قانون اساسی و رفراندوم تأیید قانون اساسی تعریف می کند. (Amini and Khosravi, 2010).

سال هاست که اعتماد سیاسی در منابع علوم سیاسی و جامعه شناسی یکی از مفاهیم اساسی در انواع نظریه پردازی ها بوده است. ارتباط نزدیکی که این مفهوم با مفاهیم پایه ای در علوم سیاسی مثل مشروعیت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، حکمرانی خوب، کار آمدی نظام سیاسی، و در سال های اخیر با مفهوم سرمایه اجتماعی داشته سبب شده این موضوع در کانون توجه بسیاری از پژوهش ها قرار گیرد. در کشور های در حال توسعه که هنوز نهاد های سیاسی مستقر و کار آمدی ندارند، اعتماد سیاسی یکی از مهمترین پیش شرط های دولت سازی و کار آمد شدن نهاد های دولتی محسوب می شود. از سوی دیگر، کاهش اعتماد سیاسی همواره یکی از موانع کار آمدی اداره کشور و پیشبرد سیاست های تنظیمی دولت ها معرفی شده است. بی اعتمادی به نهاد های دولتی عوارض گوناگونی برای هر کشور دارد که از جمله میتوان به کاهش مشارکت سیاسی، نادیده گرفتن قوانین کشور، فرار از مالیات و عدم پشتیبانی از دولت در شرایط بحرانی و اضطرابی اشاره کرد. (Seyed Emami and Montazeri Moghadam, 2012).

شکل اصلی پژوهش های انجام شده درباره اعتماد سیاسی در ایران عدم برخورداری آنها از یک طرح نظری منسجم است. بیشتر پژوهش ها، اعتماد سیاسی را در قالب بحث های دیگری مثل مشروعیت سیاسی، سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی مورد بررسی قرار داده اند و چندان توجهی به اهمیت این مفهوم در تبیین رفتار سیاسی شهروندان نداشته اند. (Seyed Emami and Montazeri Moghadam, 2012).

امروزه از مقوله فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای کیفی شامل ارزش‌ها، فرآورده‌های هنری، مذهبی، فلسفی، تجلیات فکری و ذوقی و عاطفی یاد می‌کنند که ضامن جوامع انسانی و حیات بشری است. از همین رو می‌توان اذعان داشت فرهنگ سیاسی نیز مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که به فرآیند و زندگی سیاسی شکل می‌بخشد (Pahlavan, 2003). بر این اساس نظام سیاسی تنها از ساختارها تشکیل نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه‌ای از طرز فکرها و رفتارهای تقریباً منسجمی است که به آن فرهنگ سیاسی می‌گویند و متأثر از فرهنگ عمومی جامعه است. از همین رو مقوله فرهنگ و فرهنگ سیاسی امروزه در کانون توجه ملت‌ها و دولت‌هاست، و به موازات افزایش اهمیت آن، تهدیدات فزون تری آن را در معرض تهاجم قرار داده است. در همین زمینه اندیشمندان حوزه مطالعات رسانه، عموماً بر این باورند که رسانه‌ها بر جهت‌گیرهای ارزشی، نگرشی و رفتاری افراد تأثیر می‌گذارند و با وجود آن که اجماع‌چندانی در خصوص میزان تأثیرگذاری این رسانه‌ها ندارند اما همگی بر تأثیرگذاری رسانه‌ها بر عصر جهت‌گیرهای ارزشی، نگرشی و رفتاری افراد توافق دارند. مارک پاستر در کتاب با ظهور عصر دوم رسانه‌ها، نوع جدیدی از جامعه ظهور کرده معتقد است دوم رسانه است که وسایل ارتباطی جدید در آن جامعه همگی در راستای جهانی شدن فرهنگ عمل می‌کنند (Pasteur, 1998).

امروزه سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهم تری نسبت به سایر سرمایه‌ها در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان انسان‌ها، سازمان‌ها و انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها هستند. در جامعه‌ای که فاقد سرمایه اجتماعی کافی است، سایر سرمایه‌ها از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نیستند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی و غیره، ناهموار و دشوار می‌شود (Kazemi, 2016).

مفهوم سرمایه اجتماعی که به تازگی در نوشته‌های مربوط به علوم اجتماعی وارد شده است به طور خلاصه شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط و هنجارهای است که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهند. این مفهوم به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد از این پتانسیل برخوردار است تا در تحلیل‌های نظری درحوزه‌های مختلف به کار گرفته شود (Chalabi & Mubarak, 2005).

بر اساس تحقیقات کتابخانه‌ای توسط پژوهشگران مشاهده شد که تحقیقات زیادی در زمینه مطالعه حاضر صورت نگرفته است و این یکی از نوآوری‌های تحقیق حاضر می‌باشد.

امینی و خسروی (۱۳۸۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که هرچند مولفه‌های فرهنگ سیاسی در ایران همچون: فرهنگ آمریت- تابعیت، عدم تساهل و سعه صدر، خشونت و سیاست‌گریزی سبب کاهش مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان در طول تاریخ گردیده است، لیکن در مقاطع خاص تاریخی مشارکت سیاسی افزایش یافته است. چنانکه در انقلاب مشروطه، مشارکت سیاسی عملی به طور چشمگیری افزایش یافت و حتی زنان نیز برای اولین بار دست به فعالیت‌های سیاسی

زدند. به طور مشخص در انقلاب اسلامی ایران، مشارکت سیاسی زنان به کمال رسید. در این انقلاب برای نخستین بار زنان نقشی و سهمی برابر با مردان یافتند. این انقلاب تجلی مشارکت سیاسی در ایران بود. هر چند اندک اندک از گرمی آن کاسته شد.

نیک ملکی، مجیدی و خانی ملکوه (۱۳۹۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده اند که نتایج تحلیل رگرسیون ارزیابی اثرات جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته شامل شش متغیر فرهنگ سیاسی، مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، در جه مذهبی بودن، آگاهی سیاسی و مدت تماشای ماهواره در تبیین واریانس متغیرهای وابسته به ترتیب بر اساس میزان اثر گذاری نشان میدهد بیشترین میزان تاثیر مربوط به متغیرهای مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی در بین مردم تعلق دارد.

سید امامی و منتظری مقدم (۱۳۹۱) در پژوهش خود اذعان داشتند که تقسیم نظریه های اعتماد سیاسی به دو دسته فرهنگی و نهادی از جمله شیوه های دسته بندی نظریه های اعتمادی سیاسی محسوب میشود. در رویکرد فرهنگی، جامعه پذیری و فرهنگ حاکم بر جامعه پنداشته میشود. نتایج تحقیق نشان داد نظریه های نهادی اعتماد سیاسی قدرت تبیین بیشتری نسبت به نظریه های فرهنگی اعتماد سیاسی دارند. همچنین رابطه دینداری و اعتماد سیاسی هم بررسی شد و فرضیه ارتباط دینداری و اعتماد سیاسی نیز به تایید رسید.

محمدی فر، مسعود نیا و مرادی (۱۳۹۰) در پژوهشی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان نشان دادند که بین متغیر میزان انسجام اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود، مشارکتی و تبعی و همچنین میان متغیر امنیت اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی رابطه وجود دارد.

جانگ تیان ونگ (۲۰۰۲) در تحقیق بنام سرمایه اجتماعی و پیامد های سیاسی در تایوان معتقد است سرمایه اجتماعی میتواند زمینه ها و شرایط لازم را برای مشارکت سیاسی فعال و پویا و همچنین تقویت نهاد های دموکراتیک را برای رژیم های سیاسی به ارمغان آورد.

اکبری (۱۳۸۳) نیز در پژوهشی نشان داد که وجود سرمایه اجتماعی بر میزان مشارکت تاثیر می گذارد و اعتماد موجود در آنها بیشتر از نوع درون گروهی است و خانواده گرایی بالا نیز دال بر این واقعیت است که چندان نمیتواند مساعد و مناسب توسعه باشد. اعتماد افراد به هم و درون گروهی بسار بالا و اعتماد به دولت بسیار پایین است به نظر میرسد تقویت اعتماد بخصوص نوع برون گروهی آن بسط و گسترش نهاد های مشارکتی، فراخواندن مردم و در گیر کردن روز افزون آنها رد فرایند توسعه و بالا بردن سطح آگاهی های سیاسی از روش های مختلف میتواند به شکل گیری دموکراسی بیشتر و توسعه بیانجامد.

هر چند هیچ کدام از پژوهش های انجام شده مستقیم به موضوع این پژوهش نپرداخته اند اما غیر مستقیم درباره این روابط مطالعه کرده اند بیشتر این مطالعات با رویکردی تصنیفی پیش رفته و از مباحث آماری در حد توصیف استفاده کرده اند در این پژوهش ما سعی میکنیم با استفاده از شیوه های آماری مختلف نقش فرهنگ سیاسی در مشارکت و اعتماد سیاسی با میانجیگری سرمایه اجتماعی را بررسی کرده و آن را بسط دهیم.

روش تحقیق

روش اجرای پژوهش حاضر توصیفی و همبستگی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری است (هومن، ۱۳۸۴). جامعه آماری مورد نظر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی می باشد که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون t تک نمونه ای، آزمون همبستگی پیرسون و مدل یابی معادلات ساختاری استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها در نرم افزار SPSS 22 و Lisrel 8.8 انجام شد. ابزار اصلی گردآوری داده های پژوهش سه پرسشنامه استاندارد بود.

در این تحقیق برای سنجش میزان فرهنگ سیاسی از پرسشنامه استفاده شد. مفهوم فرهنگ سیاسی را اولین بار آلموند رد علم سیاست به کاربرد وی مفهوم فرهنگ سیاسی را الگوی ایستارها و سمت گیری های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام تعریف میکند (عالم، ۱۳۷۸). همچنین برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی از پرسشنامه سرمایه اجتماعی که یک ابزار اندازه گیری ۱۷ گویه ای است برای اندازه گیری سه بعد سرمایه یعنی ساختاری، شناختی و بعد رابطه ای، طراحی شده است که تو سط ناهاپیت و گوشال تهیه و ارائه شده که روی یک مقیاس ۵ پنج نقطه ای لیکرت (۱ = بسیار کم تا ۵ = بسیار زیاد) از سوی آزمودنی، رتبه بندی می شود. همچنین سوالاتی در زمینه مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی در اختیار نمونه آماری قرار گرفت.

یافته ها

فرضیه ۱: میانگین فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی، مشارکت و اعتماد سیاسی دانشجویان با میانگین مورد انتظار جامعه تفاوت معنی داری دارد

جهت بررسی فرضیه اول پژوهش، از آزمون t تک نمونه ای استفاده شد (جدول ۱). یافته ها حاکی از آن بود که میانگین فرهنگ سیاسی برابر با ۲/۸۷ و میانگین مورد انتظار برابر با ۳ بود. مقدار t برابر ۴/۰۶ و سطح معناداری حاصل، ۰/۰۰۰ گزارش شد. با توجه به اینکه مقدار t در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی دار بود، لذا نتیجه گرفته می شود که میانگین تجربی با میانگین نظری تفاوت معنی داری دارد. همچنین از آنجایی که میانگین تجربی کمتر از میانگین نظری بود، می توان گفت وضعیت فرهنگ سیاسی دانشجویان در دانشگاه محقق اردبیلی به طور معنی داری در سطح پایینی بوده است. در مورد متغیر سرمایه اجتماعی، مقدار میانگین مشاهده شده برابر با ۳/۹۵ و در سطح معنی داری حاصل، ۰/۰۰۳ بود. با توجه به اینکه مقدار t در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنی دار بود، لذا می توان گفت که میزان سرمایه اجتماعی، با میانگین مورد انتظار تفاوت معنی داری داشته و در سطح بالایی بوده است. در مورد متغیر مشارکت سیاسی، مقدار میانگین مشاهده شده برابر با ۳/۱۷ و در سطح معنی

داری حاصل، $0/001$ بود. با توجه به اینکه مقدار t در سطح خطای کمتر از $0/05$ معنی دار بود، لذا می توان گفت که میزان مشارکت سیاسی، با میانگین مورد انتظار تفاوت معنی داری داشته و در نسبتا سطح بالایی بوده است. نهایتا بررسی میزان اعتماد سیاسی دانشجویان نشان داد که میانگین مشاهده شده $1/36$ کمتر از میانگین مورد انتظار بود و از آنجا که مقدار t در سطح خطای کمتر از $0/01$ معنی دار بود، لذا نتیجه گرفته می شود که اعتماد سیاسی دانشجویان در سطح پایینی بوده است. این نتایج در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون t تک نمونه ای پیرامون فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی، مشارکت و

اعتماد سیاسی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
فرهنگ سیاسی	۲۰۰	۲/۸۷	۰/۵۲۵	۴/۰۶	۰/۰۰
سرمایه اجتماعی	۲۰۰	۳/۹۵	۰/۳۸۴	۷/۶۵	۰/۰۰۳
مشارکت سیاسی	۲۰۰	۳/۱۷	۰/۴۰۲	۶/۱۷	۰/۰۰۱
اعتماد سیاسی	۲۰۰	۱/۳۶	۰/۱۸۹۶	۲/۸۰	۰/۰۰

میانگین مورد انتظار: ۳

فرضیه ۲: بین فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی و مشارکت و اعتماد سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد.

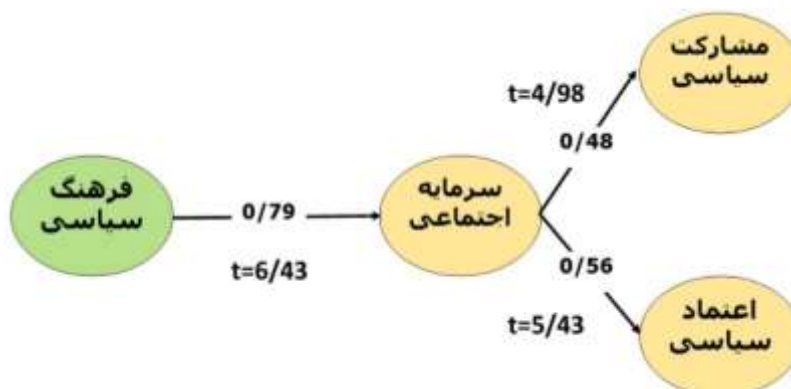
جهت بررسی ارتباط متغیرهای اصلی پژوهش با همدیگر از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول ۲). نتایج نشان داد که روابط همه متغیرها با یکدیگر بجز سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی در سطح خطای کمتر از $0/01$ مثبت و معنی دار بود. بیشترین همبستگی مربوط به دو متغیر مشارکت سیاسی با اعتماد سیاسی بود ($I=842$). پس از این دو متغیر، بیشترین همبستگی به ترتیب مربوط به ارتباط بین مشارکت سیاسی با فرهنگ سیاسی ($I=0/791$)، همبستگی فرهنگ سیاسی با سرمایه اجتماعی ($I=0/661$) و نیز همبستگی مشارکت سیاسی با سرمایه اجتماعی بود ($I=0/624$). و سپس همبستگی بین فرهنگ سیاسی با اعتماد سیاسی ($I=0/542$). پس از آن مشخص شد بین هر چهار متغیر فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی، روابط مثبت و معنی داری وجود دارد. در ادامه به منظور بررسی مفروضه اصلی پژوهش و نیز به منظور پاسخ به سایر فرضیه های پژوهش از مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. در نمودار ۲، مدل ساختاری (مدل استاندارد) حاصل از تجزیه و تحلیل داده های آماری ارائه شده است. بر اساس این نمودار، بار عاملی همه متغیرهای آشکار بالاتر از $0/4$ است و لذا می توان گفت که متغیرهای آشکار به خوبی بر روی متغیرهای مکنون بار شده اند. به بیان دیگر می توان گفت که پرسشنامه های پژوهش می توانند به

طور مناسبی توصیف کننده چهار متغیر باشند. همچنین در نمودار ۲، ضرایب استاندارد شده با ارائه شده است که مقادیر بتای ارائه شده که بیانگر روابط علی بین متغیرهای پژوهش است. ذکر این نکته لازم است که مقادیر بتای ارائه شده در مدل معادلات ساختاری، لزوماً به معنای مجذور ضرایب همبستگی نیست، چرا که مدل یابی معادلات ساختاری از طریق تشکیل ماتریس کوواریانس و نه ماتریس همبستگی انجام می پذیرد.

در ادامه جهت بررسی قابلیت تعمیم مدل ساختاری پژوهش، مدل معنی داری پژوهش (مدل t) نیز در نمودار ۱ ارائه شده است. بر اساس نتایج بدست آمده، مقدار t برای تاثیر فرهنگ سیاسی بر سرمایه اجتماعی (۶/۴۳)، و مقدار t برای تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (۴/۹۸) و مقدار t برای تاثیر سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی (۵/۴۳) بود. بنابراین از آنجا که همه این مقادیر و نیز سایر مقادیر معنی داری موجود در مدل بالای ۱/۹۶ می باشند، لذا می توان گفت مدل نهایی پژوهش، قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱	فرهنگ سیاسی	۱			
۲	سرمایه اجتماعی	۰/۶۶۱**	۱		
۳	مشارکت سیاسی	۰/۷۹۱**	۰/۶۲۴**	۱	
۴	اعتماد سیاسی	۰/۵۴۲**	۰/۴۵۶	۰/۸۴۲**	۱
$p < 0.01$ **					



نمودار ۱: مدل ساختاری و معنی داری پژوهش

در ادامه جهت بررسی برازش مدل، شاخص های نیکویی برازش ارائه شده است. این شاخص ها (جدول ۳) نشان می دهد که مقدار مجذور کای در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی دار بوده است. بنابراین براساس این شاخص، مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول ۳: شاخص های نیکویی برازش پیرامون آزمون برازندگی مدل مفهومی پژوهش

RMR	IFI	NFI	CFI	GFI	X2
۰/۰۶۵	۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۹۲	۰/۵۳	S:) 19/1241 (0.001

در مجموع با توجه به آماره های بتای گزارش شده و مقادیر t متناظر آنها در نمودار ۲، نتایج بررسی فرضیه های سوم تا هفتم پژوهش ارائه شده است.

فرضیه ۳: فرهنگ سیاسی تاثیر معنی داری بر سرمایه اجتماعی دارد.

بر اساس نتایج مدل معادلات ساختاری در نمودار ۱، مقدار بتای فرهنگ سیاسی بر سرمایه اجتماعی (۰/۷۹) و مقدار t متناظر با آن (۶/۴۳) بود. از آنجا که مقدار t مشاهده شده بالاتر از مقدار t بحرانی (۱/۹۶) می باشد لذا می توان گفت فرض پژوهش مبنی بر تاثیر فرهنگ سیاسی بر سرمایه اجتماعی، در سطح معنی داری ۰/۰۵ تایید می گردد.

فرضیه ۴: سرمایه اجتماعی تاثیر معنی داری بر مشارکت سیاسی دارد.

بر اساس نتایج مدل معادلات ساختاری در نمودار ۱، مقدار بتای سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (۰/۴۸) و مقدار t متناظر با آن (۴/۹۸) بود. از آنجا که مقدار t مشاهده شده بالاتر از مقدار t بحرانی (۱/۹۶) می باشد لذا می توان گفت فرض پژوهش مبنی بر تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، در سطح معنی داری ۰/۰۵ تایید می گردد.

فرضیه ۵: سرمایه اجتماعی تاثیر معنی داری بر اعتماد سیاسی دارد.

بر اساس نتایج مدل معادلات ساختاری در نمودار ۱، مقدار بتای توانمندسازی روانشناختی بر اشتیاق شغلی (۰/۵۶) و مقدار t متناظر با آن (۵/۴۳) بود. از آنجا که مقدار t مشاهده شده بالاتر از مقدار t بحرانی (۱/۹۶) می باشد لذا می توان گفت فرض پژوهش مبنی بر تاثیر توانمندسازی روانشناختی بر اشتیاق شغلی کارکنان، در سطح معنی داری ۰/۰۵ تایید می گردد.

فرضیه ۶: سرمایه اجتماعی می تواند نقش میانجی را در افزایش ارتباط فرهنگ سیاسی و مشارکت

سیاسی ایفا کند.

همچنین با توجه به نتایج بدست آمده در نمودار ۱، در فرضیه های قبلی پژوهش، اثرات مستقیم متغیرهای پیش بین بر متغیرهای ملاک مورد بررسی قرار گرفت. در فرضیه اخیر، اثر غیر مستقیم فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی با واسطه سرمایه اجتماعی بررسی گردید (۰/۳۷). به بیان دیگر،

فرض ششم پژوهش ادعا می‌نمود که سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش میانجی را در افزایش ارتباط فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی ایفا کند مورد تأیید واقع می‌شود.

فرضیه ۷: سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش میانجی را در افزایش ارتباط فرهنگ سیاسی و اعتماد سیاسی ایفا کند.

همچنین با توجه به نتایج بدست آمده در نمودار ۱، در فرضیه‌های قبلی پژوهش، اثرات مستقیم متغیرهای پیش بین بر متغیرهای ملاک مورد بررسی قرار گرفت. در فرضیه اخیر، اثر غیر مستقیم فرهنگ سیاسی بر اعتماد سیاسی با واسطه سرمایه اجتماعی بررسی گردید (۰/۴۴). به بیان دیگر، فرض هفتم پژوهش ادعا می‌نمود که سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش میانجی را در افزایش ارتباط فرهنگ سیاسی و اعتماد سیاسی ایفا کند مورد تأیید واقع می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت نقش دانشگاهها در توسعه همه جانبه و پایدار جوامع، باید عنوان کرد که دانشگاهها هم در پیدایش تحولات و هم در پاسخگویی به نیازهای ناشی از تحولات گوناگون جامعه نقش اساسی بر عهده دارند. با توجه به اینکه سیاست و سیاست‌گرایی در بین دانشجویان روز به روز در حال افزایش است و فرهنگ سیاسی در بین دانشگاهیان و بخصوص دانشجویان رخنه کرده است؛ از آنجایی که تحقیقات منسجم و کاربردی صورت گرفته در این زمینه محدود می‌باشد پژوهشگران در صدد بر آمدن تا تحقیقی در این زمینه ارائه دهند، لذا هدف پژوهش حاضر بررسی منسجم و هدفمند نقش بین فرهنگ سیاسی در مشارکت و اعتماد سیاسی با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی می‌باشد. تحقیقات در دو قسمت ضرایب توصیفی و همبستگی و تحلیل معادلات ساختاری صورت گرفت. بر اساس نتایج مشخص شد که فرهنگ سیاسی دانشجویان در دانشگاه محقق اردبیلی کمتر از میانگین مورد انتظار بوده و در حد نسبتاً نامطلوبی می‌باشد. سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی نیز در دانشگاه و در بین دانشجویان در حد نسبتاً مطلوبی می‌باشد. همچنین مشاهده می‌شود که اعتماد سیاسی در بین دانشجویان بسیار پایین بوده است. در بحث استنباطی نتایج نشان داد که بین فرهنگ سیاسی با سرمایه اجتماعی، اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد به عبارت دیگر با افزایش فرهنگ سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی سرمایه اجتماعی، اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان جامعه آماری مورد نظر رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. از طرف دیگر نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در این بخش از تحلیل‌ها قدرت تبیین اعتماد سیاسی را به صورت معنا داری ندارد. لازم به ذکر است که همانطور که قبلاً هم گفته شد وجود همبستگی بین متغیرها لزوماً به معنی وجود رابطه علت و معلولی نیست.

نتایج تحلیل مسیر و معادلات ساختاری نیز نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی با ضریب مسیر بالایی میتواند بر روی سرمایه اجتماعی تاثیر مثبتی بگذارد به عبارت دیگر هر چه قدر که فرهنگ سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی دانشجویان بالاتر رود بیشتر میتوانند در امور مختلف جامعه و علی‌الخصوص مسائل سیاسی دانشگاهی با دیگران به تبادل عقاید سیاسی و مباحثه بپردازند و در واقع روابط اجتماعی خود را گسترش دهند. سرمایه اجتماعی یکی از اساسی‌ترین و مهمترین و در عین حال سودمندترین سرمایه‌ای است که هر اجتماع و جامعه‌ای میتواند از آن بهره‌ها ببرد. همچنین نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر روی مشارکت و اعتماد سیاسی دانشجویان دارد. به عبارتی روشن‌تر با افزایش سرمایه اجتماعی دانشجویان و روابط اجتماعی آنان در دانشگاه و جامعه به ویژه جامعه سیاسی اعتماد و مشارکت سیاسی دانشجویان نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه تحقیقات چندانی در این زمینه صورت نگرفته است ولی تحقیقات مشابهی در این زمینه یافت شد. نتایج تحقیقات حاضر با نتایج تحقیقات یوسفی (۱۳۷۹)، امینی و خسروی (۱۳۸۹)، نیک‌ملکی و همکاران (۱۳۹۴)، سیدامامی و منتظری مقدم (۱۳۹۱)، محمدی فر و همکاران (۱۳۹۰)، اکبری (۱۳۸۳) و جان‌تیان ونگ (۲۰۰۲) همسو می‌باشد؛ چرا که آنان نیز در پژوهش‌های خود به نتایج مشابه دست یافتند.

سیدامامی و منتظری مقدم (۱۳۹۱)، معتقدند که در کشورهای در حال توسعه که هنوز نهاد‌های سیاسی مستقر و کارآمدی ندارند، اعتماد سیاسی یکی از مهمترین پیش‌شرط‌های دولت‌سازی و کارآمد شدن نهاد‌های دولتی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، کاهش اعتماد سیاسی همواره یکی از موانع کارآمدی اداره کشور و پیشبرد سیاست‌های تنظیمی دولت‌ها معرفی شده است. بی‌اعتمادی به نهاد‌های دولتی عوارض گوناگونی برای هر کشور دارد که از جمله میتوان به کاهش مشارکت سیاسی، نادیده گرفتن قوانین کشور، فرار از مالیات و عدم پشتیبانی از دولت در شرایط بحرانی و اضطرابی اشاره کرد.

به عقیده پهلوان (۱۳۸۲)، امروزه از مقوله فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای کیفی شامل ارزش‌ها، فرآورده‌های هنری، مذهبی، فلسفی، تجلیات فکری و ذوقی و عاطفی یاد می‌کنند که ضامن جوامع انسانی و حیات بشری است. از همین رو می‌توان اذعان داشت فرهنگ سیاسی نیز مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که به فرآیند و زندگی سیاسی شکل می‌بخشد.

بر این اساس پاستر (۱۳۷۷) نیز اذعان میدارد که نظام سیاسی تنها از ساختارها تشکیل نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه‌ای از طرز فکرها و رفتارهای تقریباً منسجمی است که به آن فرهنگ سیاسی می‌گویند و متأثر از فرهنگ عمومی جامعه است. از همین رو مقوله فرهنگ و فرهنگ سیاسی امروزه در کانون توجه ملت‌ها و دولت‌هاست، و به موازات افزایش اهمیت آن، تهدیدات فزون‌تری آن را در معرض تهاجم قرار داده است. در همین زمینه اندیشمندان حوزه مطالعات رسانه، عموماً بر این باورند که رسانه‌ها بر جهت‌گیری‌های ارزشی، نگرشی و رفتاری افراد تأثیر می‌گذارند و با وجود آن که اجماع چندانی در خصوص میزان تأثیرگذاری این رسانه‌ها ندارند اما همگی بر تأثیرگذاری رسانه‌ها بر عصر

جهت گیرهای ارزشی، نگرشی و رفتاری افراد توافق دارند. مارک پاستر در کتاب با ظهور عصر دوم رسانه ها، نوع جدیدی از جامعه ظهور کرده معتقد است دوم رسانه است که وسایل ارتباطی جدید در آن جامعه همگی در راستای جهانی شدن فرهنگ عمل می کنند.

براساس آنچه که گذشت مشخص شد که فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی، مشارکت و اعتماد سیاسی در بین دانشجویان بر اساس آنچه که از دانشگاه و دانشجویان انتظار می رود پایین می باشد لذا پیشنهاد می گردد که مدیران و مسئولان دانشگاهی با اتخاذ تدابیری در جهت افزایش متغیرهای مذکور در دانشگاه و علی الخصوص در بین دانشجویان بکوشند؛ برای این منظور پیشنهاد می گردد با برگزاری کرسی های آزاد اندیشی، جلسات تبادل نظر، دعوت از اساتید جهت ایراد سخنرانی های سیاسی، کارگاههای آموزشی روابط اجتماعی و سیاسی، ایجاد تشکل های دانشجویی خود جوش و همچنین آزاد گذاشتن دانشجویان در چارچوب و ضوابط قانون و مقررات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل احزاب سیاسی و یا تشکیل انجمن حمایت از حزب سیاسی و یا اجتماعی مورد علاقه؛ در جهت بالا بردن فرهنگ سیاسی، مشارکت و اعتماد سیاسی و سرمایه اجتماعی دانشجویان بکوشند.

References

- Akbari, A. (2004). The Role of Social Capital in Participation - Investigating the Impact of Social Capital on Political and Social Participation, M.Sc. Thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. [In Persian]
- Alam, Abdul Rahman (1998). Political Science Foundations, Tehran: Ney [In Persian]
- Amini, A. A. ; Khosravi, M. A. (2010). The Impact of Political Culture on the Political Participation of Women and Students, Quarterly Journal of Political Studies; Second Year, No. 7, Spring. [In Persian]
- Bashirieh, H. (1995). Political Sociology. Tehran: Ney [In Persian]
- Chalabi, Massoud and Mubarak, Mohammad (2005). Analysis of the Relationship between Social Capital and Crime at Micro and Macro Levels, Iranian Journal of Sociology, Volume 6, Number 2: 44-3. [In Persian]
- Hooman, H. A. (2005). Modeling structural equations using LISREL software, Samat Publications, first edition. [In Persian]
- Huntington, S. (1976). No Easy Choice: Political Participation in Developing Countries. Cambridge: Harvard University Press.
- Jang, Tian, W. (2002). Exploring Social Capital and Its Political Consequences, The Case of Taiwan, Michigan State university
- Kazemi, S. (2016). Investigating the Relationship between Social Capital, Social Responsibility and Organizational Socialization among the staff of Urmia University, Master Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University. [In Persian]

- Mill bath, C. (1981). "Political Participation", Hand Book of Political Behavior. New York: Plenum Press.
- Mohammadifar, Nejat; M. Nia, H. and Moradi, G. (2011). Investigating the Relationship between Social Capital and Students' Political Culture, Case Study: University of Isfahan, Communication Culture Studies, Year 12, Issue 16, Winter. [In Persian]
- Moore, B. (1980). The social roots of dictatorship and democracy. Translated by Hossein Bashirieh, Tehran: University Jihad. [In Persian]
- Nelson, John. M. (1990). Political Participation in Understanding Political Development, by Myron Weiner and Samuel Huntington (editors), translation and publication: Institute for Strategic Studies [In Persian]
- Nik Maleki, M.; Majidi, H. and Khani Malekouh, M. (2015). The Impact of Satellite Networks on Political Culture, National Studies Quarterly; 62, Sixteenth Year, No. 2. [In Persian]
- Pahlavan, Genghis (2003). Cultural Recommendation, translated by Ahmad Sabouri and Amir Shahi Chaos City, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications, First Edition. [In Persian]
- Pasteur, Mark (1998). The Second Age of Media, translated by Gholam Hossein Saleh Yar, Tehran: Iran Institute. [In Persian]
- Seyed Emami, Kavous and Montazeri Moghadam, Reza (2012). The Role of Trust Culture and the Performance of Political Institutions in Building Political Trust: A Survey of Tehran University Students, Journal of Political Science, Year 7, Issue 4, Fall, pp. 216-189. [In Persian]

Modeling the role of political culture in political participation and confidence in the mediation of social capital

Ali Aghaei Khane Barg^۱, Ramin Gharibzadeh^۲, Leyli Azadi Baris^۳

Received: September 1, 2020

Accepted: December 2, 2020

Abstract

This study aimed to modeling the relationship between political culture and political trust in partnership with the mediation of social capital has been done. The research method is descriptive and correlational structural equation modeling. The target population included all university students researcher Ardabil Using simple random sampling, 200 samples were selected. The main tool for data collection was a questionnaire. For data analysis Pearson correlation test was used to study together with each other and the relationships between variables was significant. Continue to assess the generalizability of the structural model study, significant research model (model t) is also provided. Based on these results, the political culture has a direct impact on social capital, social capital also has a direct impact on political participation. Social capital has a direct impact on political trust. The social capital of trust and political participation, political culture through its indirect impact. Political culture, social capital, participation and political trust among students is lower than expected Therefore, it is suggested that the university authorities to take necessary measures in order to increase these variables at work.

Key words: political culture, social capital, political participation, political trust.

¹ PhD Student in Educational Management, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

² PhD Student in Educational Management, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

³ Master of Educational Management, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran